

تحلیلی بر دلالت «اعداد معدوله» در تعبیر قرآنی «مثنی و ثلاث و رباع» (بررسی موردی؛ ترجمه های فارسی معاصر)

علی رضا فخاری^۱، زهرا بشارتی^{۲*}

- ۱- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
۲- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۲۴

دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۶

چکیده

اسامی غیرمنصرف در زبان عرب شامل برخی از اعداد می شود که به سبب وصف بودن و عدول از «تکرار» «اعداد معدوله» نامیده می شوند. تعبیر «مثنی و ثلاث و رباع» در قرآن مجموعه ای است از این اعداد بر دو صیغه «مفعّل» و «فعلال» که در آیات ۳ سوره نساء و ۱ سوره فاطر استعمال شده است. هرچند برخی مترجمان قرآن همگون با مفهوم «تکرار» در این اعداد دست به ترجمه زده اند، بسیاری از ایشان ترجمه هایی غیرهمسو با این معنا را ارایه کرده اند. این امر، معانی متفاوت و گاه متضادی را در ذهن مخاطبان القا نموده و فرآیند فهم آیه را با مشکل مواجه ساخته است. لذا ورود نقادانه به این وادی با تکیه بر مفهوم شناسی دقیق واژه ها از ضروریات است. معناشناسی اعداد معدوله، مفهوم «تکرار و تنوع» را برای «مثنی و ثلاث و رباع» در ضمن معنای شمارشی برجسته می نمایاند که با ترجمه «دوگانه و سه گانه و چهارگانه» برای تعبیر مذکور، سازگاری بیشتری دارد.

واژگان کلیدی: اعداد معدوله، مثنی، ثلاث، رباع، ترجمه قرآن

۱- بیان مسأله

خداوند در قرآن به مناسبت‌های مختلف از «اعداد»، سخن به میان آورده و آن‌ها را در سطح گسترده‌ای با هم‌نشین‌های گوناگون مورد استعمال قرار داده است. در این میان، کاربرد اعدادی چون «مثنی»، «ثلاث» و «رُبَاع» نیز، در برخی آیات مشاهده می‌شود که وصف و غیرمنصرف بوده و در دو صیغه «فُعَال» و «مَفْعَل»، ذکر گردیده‌اند. در زبان عرب، چنین اعدادی را «معدوله» نام نهاده‌اند (سفر، ۲۰۰۰، ج ۱: ۳۸۹؛ حمصی، ۱۳۶۷: ۲۵۹ و ۲۶۰؛ ابن مالک، بی‌تا، ج ۲: ۷۴). غالب لغویان و لغت‌پژوهان نیز، ضمن اشاره به غیرمنصرف بودن اعداد معدوله، بر عدول این اعداد از «تکرار»، تأکید کرده و «مثنی» را معدول از «اثنین اثنین»، «ثلاث» را معدول از «ثلاثة ثلاثة» و «رُبَاع» را معدول از «اربعة اربعة» دانسته‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸: ۲۱۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۷۵؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۱: ۲۱۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۲: ۱۲۵؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۲: ۳۰). بر این اساس مفهوم «تکرار» در ترجمه آیاتی که شامل این اعداد می‌شوند نیز، بایست ظهور داشته باشد، درحالی که بررسی اولیه آرای مترجمان ذیل تعبیر «مثنی و ثلاث و رباع» در آیاتی چون ﴿فَانْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنً وَ ثُلَاثً وَ رُبَاعً﴾ (نساء/۳) و ﴿أُولَىٰ أُجْنِحَ مَثْنً وَ ثُلَاثً وَ رُبَاعً﴾ (فاطر/۱)، از بیان ترجمه‌های متنوع برای تعبیر مذکور حکایت می‌کند. برخی مفهوم تکرار در اعداد معدوله را لحاظ کرده و معنای «دو دو، سه سه و چهار چهار» را برگزیده‌اند و در مقابل ترجمه‌هایی چون «دو یا سه یا چهار»؛ «دو و سه و چهار» و «دوگانه، سه‌گانه و چهارگانه» نیز، از سوی بسیاری از مترجمان ارایه شده است.

با عنایت به این که ترجمه آیات قرآن، زمینه ساز فهم مخاطبان از کلام الهی است، عدم توجه و اهتمام مترجم به کشف معنای دقیق‌تر برای تعبیر و اصطلاحات، آثار زیان‌باری را به بار خواهد آورد. ریشه‌شناسی، از جمله روش‌هایی است که در بررسی معنای دقیق‌تر واژه‌ها نافع می‌نماید. عنوان ریشه‌شناسی، از (Etymon) یونانی به معنای شناخت اصل و ریشه یک چیز گرفته شده است. ریشه‌شناسی در اصطلاح، بررسی تغییرات لفظ و

تحلیلی بر دلالت «اعداد معدوله» در تعبیر قرآنی «مثنی و ثلاث و رباع» ... علی‌رضا فخاری و زهرا بشارتی

معناست^۱ (پارسا، ۱۳۹۷: ۵۴). تاریخ هر زبان، باید به طور جداگانه و برپایه سیر تحول ویژه خود، بررسی و توصیف گردد. ریشه‌ها و چگونگی این تغییرات زبانی، با نگاهی تاریخی و در محدوده جغرافیایی سکونت، مهاجرت، تجارت، جنگ با سایر گونه‌های تعامل فرهنگی - اجتماعی گویش‌وران هر زبان با مناطق همجوار قابل پی‌جویی است (آرلاتو، ۱۳۷۳: ۲۳). در پژوهش حاضر، ریشه‌شناسی اعداد معدوله در خانواده زبان‌های سامی که شامل زبان‌های آسیایی و آفریقایی چون عبری، آرامی، اکدی و حبشی می‌شود، صورت گرفته است. سپس با تکیه بر ریشه‌شناسی و با عنایت به معنای بافتی، تحلیلی بر آرای مترجمان، ذیل اعداد معدوله در قرآن، انجام شده تا بتوان به فهم دقیق‌تری از این واژه‌ها نایل شد.

رهیافت فوق، کوششی است در پاسخ به این سوال اصلی که: «کدام یک از ترجمه‌های ارایه شده برای اعداد معدوله «مثنی و ثلاث و رباع» در قرآن، با عنایت به ریشه‌شناسی و از منظر معنای بافتی ترجیح دارد؟»

۲- پیشینه تحقیق

در حوزه اعداد، پژوهش‌هایی شامل تاریخچه، نحوه محاسبه کردن توسط بشر، دستگاه‌های عددی و ... انجام شده که تنها در برخی از آن‌ها اشاره به معانی غیرشمارشی اعداد، مشاهده می‌شود. از مشهورترین منابعی که چنین رویکردی به موضوع اعداد داشته، «عدد زبان علم»، نوشته دانتسیگ است. در فصول ابتدایی این کتاب، شرحی از چگونگی بکارگیری معنای غیرشمارشی، برای اعداد توسط انسان‌هایی که در دوره باستان زندگی می‌کردند، ارایه شده است و برخی نمادها مانند «جمع و تکثیر» برای اعداد سه به بعد، مورد تأکید قرار گرفته است (دانتسیگ، ۱۳۶۱: ۵-۶). علی‌رغم انجام چنین پژوهش‌هایی، تاکنون نگرش جامعی با رویکرد فوق به اعداد و به‌ویژه در قرآن، صورت نگرفته است.

شرحی از اعداد معدوله نیز، در برخی منابع مانند «الممنوع من الصرف فی اللغة العربیه»، نوشته عبدالعزیزعلی سفر و «العدد فی اللغة العربیه»، نوشته نعیم حمصی، ذیل اسامی غیرمنصرف آمده است، لکن اشاره‌ای به کاربردهای قرآنی و معطوف این اعداد در منابع مذکور نیز، نشده است. مفسران، ذیل آیاتی که شامل این اعداد می‌شوند نیز، نظرات متفاوتی بیان داشته‌اند که در برخی آثار، مانند «بررسی تفسیری آیه ﴿وَأَنْ خِفْتُمْ الْإِتْقَانُ فِي الْيَتَامَى﴾» نوشته رستمی و ایمانیه، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. به عنوان نمونه گروهی از مفسران با نظرداشت معدوله بودن این اعداد، دلالت «مثنی و ثلاث و رباع» را بر بیش از عدد چهار دانسته‌اند (کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹، ج ۱: ۹۶۶؛ شبیر، ۱۴۰۷، ج ۵: ۱۹۶؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲۲: ۱۰۹؛ طنطاوی، ۱۹۹۷، ج ۱۱: ۳۱۹). گروه دیگر، از این اعداد، به نشانه تعدد در عین تفاوت ویژگی‌ها و اختلاف درجات ملائکه، با یکدیگر تعبیر کرده‌اند (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۴: ۲۵۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۴: ۲۲۹؛ مراغی، بی تا، ج ۲۲: ۱۰۴؛ قاسمی، ۱۴۱۸، ج ۸: ۱۵۹). آرای مترجمان ذیل این تعبیر نیز، همان‌گونه که در ادامه خواهد آمد، بسیار متفاوت است. بر این اساس، پژوهشی که به طور دقیق به تحلیل ترجمه‌های اعداد معدوله در قرآن با عنایت به معنای بافتی و با نظرداشت معانی ریشه این اعداد پرداخته باشد، انجام نشده است.

۳- واژه شناسی اعداد معدوله

ریشه «ثنی»، در زبان عبری به ترتیب با تلفظ (šânâh)، به معنای تکرار کردن (repeat) و «اثان»، با تلفظ (šetaym؛ šenaym) به معنای عدد دو (two) (gesenius، ۱۹۳۹: ۱۰۴۱-۱۰۴۰) است. «ثانی» نیز، با تلفظ (trin)، به معنای دوم (second) در سریانی (costaz، ۲۰۰۲: ۳۹۴)، گزارش شده است. همین ریشه با تلفظ (tanna)، در آرامی به معنای آموختن یا تعلیم دادن می‌شنا (to teach or study mishnah) و نیز تکرار یک روایت یا نقل (to repeat a tradition)، است (jastrow، ۱۹۰۳: ۱۶۷۹-۱۶۸۱).

یک معلم، می‌شنا را آموزش می‌دهد بدون این که بداند چه می‌گوید؛ صرفاً آنچه را که شنیده، تکرار می‌کند (a teacher teaches and repeat verbatim without understanding the subject) (همان: ۱۶۷۹). لذا، «مثنی» در آرامی نیز «تکرار» و «بیان دوباره مطلب» به قصد یادآوری است نه پردازش آن. در فرهنگ اکدی نیز، در کنار اشاره به معنای شمارشی دو و رتبی دوم، معانی دوباره (again) و از نو (anew) که ملهم مفهوم تکرار است، برای «ثنی» با تلفظ (šāna‘iš) گزارش شده است (Gelb, ۱۹۵۷: ۳۶۵).

در زبان‌های آفروآسیایی، مفهوم عدد دو، با الهام بخشی از اعضای دوتایی بدن انسان یا حیوانات، مانند چشم، پا و بال، به تصویر کشیده شده است (پاکتچی، ۱۳۹۵: ۴۱-۴۲). ریشه «ثنی»، در زبان و فرهنگ عرب، دارای معانی گوناگونی چون قرارگیری چیزی بر روی چیز دیگر به شکل طبقه طبقه (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸: ۲۴۲؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴، ج ۱۰: ۱۷۸؛ زمخشری، ۱۹۷۹: ۷۸)، پیچیدن، تکرار انضمام اشیاء (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۶: ۲۲۹۴ و ۲۲۹۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۴: ۱۱۶؛ فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲: ۸۵) است.

لغت پژوهان نیز، اصل ریشه «ثنی» را تکرار شیئی برای دوبار می‌دانند. معانی پیچیدن و تا کردن و انضمام دو شیئی که صورتی دوتایی در ذهن تداعی می‌کند، با مفهوم شمارشی عدد «دو»، مرتبط است. براین اساس، «ثنی» در فرهنگ و زبان‌های باستانی، بر تکرار یک عمل، مثل دوباره بیان کردن و تکرار کردن و مفاهیم ملموس، مانند اعضای دوتایی بدن انسان یا حیوانات دلالت می‌کند. همین ریشه در زبان عرب، مضاف بر معنای شمارشی «دو» دارای معانی دیگری چون پیچیدن، تکرار، انضمام و تکرار کردن است. لذا می‌توان گفت «ثنی» در اصل، بر عدد دو و دوتایی‌ها دلالت می‌کند؛ لکن معانی دیگری همچون تکرار کردن را بایست در ضمن معنای شمارشی برای این ریشه لحاظ کرد.

«ثلاث» در زبان‌های سامی، دارای مشتقات گوناگونی از معنای عدد ۳، است. «ثلاثه» در عبری، آرامی و سریانی به ترتیب با تلفظ (sâlas) و (telâtâ) و (tlotâ) به معنای عدد سه

گزارش شده است (gesenius، ۱۹۳۹: ۱۰۲۵؛ jastrow، ۱۹۰۳: ۱۶۷۲؛ costaz، ۲۰۰۲: ۳۹۲). در حبشی با تلفظ (Sallasa) به عملی که برای بار سوم انجام شود (leslau، ۱۹۹۱: ۵۲۹)، اطلاق شده است.

یکی از محققان معاصر، بر این باور است که ریشه سامی (tl̥t)، صورت عربی ثلاث، تکرار جزئی از ریشه (tl)، با صورت عربی «ثله» است. لذا اصل این ریشه به واژه آفروآسیایی (cul)، به معنای تخم (seed) بازمی‌گردد (Orel V E, Stolbova OV، ۱۹۹۵: ۱۱۵) و بازمانده معنای کهن آن در زبان عربی، «ثیل»، به معنای دانه است. به قرینه واژه‌های بازمانده، مانند «ثله» به معنای فراوان و عدد بزرگ، در ریشه آفروآسیایی می‌تواند معنای فراوان را هم داشته باشد (پاکتچی، ۱۳۹۵: ۴۸-۴۹). از دیگر سو، «سه» نشانه «جمع» بوده که بعد از شمارش «یک» و «دو» استعمال می‌شده است (دانتزیگ، ۱۳۶۱: ۵-۶). همچنین از جمله معانی نمادین «سه»، در فرهنگ‌ها و ادیان مختلف نیز، «کثرت» بوده است (شوالیه، گریبان، ۱۳۸۷، ج ۳: ۶۶۹؛ کوپر، ۱۳۹۲: ۲۶۳؛ نورآقایی، ۱۳۸۷: ۳۹؛ شیمل، ۱۳۹۵: ۸۱).

ریشه «ثلث» در زبان و فرهنگ عرب به معنای عدد سه و مشتقات آن است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸: ۲۱۴؛ ازهری، ۱۳۴۷، ج ۱۵: ۴۵؛ زمخشری، ۱۹۷۹: ۷۴). در حالی که با عنایت به «اشتقاق اکبر» یا همان «ابدال لغوی»، می‌توان احتمال وجود رابطه معنایی میان ریشه‌های «ثلث» و «ثلل» را مطرح کرد و به معنای دیگری برای «ثلث» دست یافت. با عنایت به قواعد فوق، هرگاه ضمن حفظ ترتیب، یکی از صامت‌های سه‌گانه در کلمه‌ای، به صامت قریب المخرج دیگری تغییر یافته باشد، همان‌گونه که میان دو کلمه مذکور تناسب صوتی برقرار است، تناسب معنایی نیز می‌تواند برقرار باشد (ابن جنی، ۲۰۱۰، ج ۲: ۱۵۲؛ یعقوب، ۱۴۰۸: ۲۰۸). لذا با نظر داشت قریب‌المخرج بودن دو حرف «ث» و «ل» - که هر دو از حروف زبانی هستند - می‌توان میان «ثلل» و «ثلث» تناسب معنایی برقرار کرد. بر این پایه می‌توان معنای فزونی در ریشه «ثلل» (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸: ۲۱۶؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴، ج ۱۰: ۱۲۶، زمخشری، ۱۹۷۹: ۷۵) و کاربردهای قرآنی «ثله» دال بر «جمع کثیری از انسان‌ها»: ﴿ثُلَّةٌ مِّنْ

الْأُولَىٰ وَ الْقَلِيلُ مِنَ الْآخِرِينَ ﴿۳۹﴾ (واقعه/۳۹) را بر ریشه «ثلث» نیز، حمل نمود و همسو با زبان‌های باستانی بر وجود معنای «فزوننی» به عنوان یک احتمال در ضمن معنای شمارشی «ثلث» و در برخی کاربردهای آن صحنه گذاشت.

«ربع»، با تلفظ (râba) در عبری و (rabas) در آرامی، به معنای مسکن گزیدن است (gesenius، ۱۹۳۹: ۹۱۸؛ jastrow، ۱۹۰۳: ۱۴۴۶). (arba) از همین ریشه در زبان‌های عبری، آرامی، سریانی و حبشی (leslau، ۱۹۹۱: ۴۶۰؛ gesenius، ۱۹۳۹: ۹۱۷؛ jastrow، ۱۹۰۳: ۱۴۴۵؛ costaz، ۲۰۰۲: ۳۳۶) و (erbêšû) در زبان اکدی (Gelb، ۱۹۵۷: ۲۵۵) به معنای عدد چهار، گزارش شده است. به نظر می‌رسد معنای عدد چهار از مفهوم ملموس خانه که غالباً به شکل مربع ساخته می‌شده، گرفته شده باشد. همچنین با عنایت به این‌که درک آغازین بشر از اعداد سه تا پنج این‌گونه بوده که گاه سه، گاه چهار یا پنج را همان «بسیار» می‌انگاشت (دانتزیگ، ۱۳۶۱: ۶)، می‌توان «کثرت» را از دیگر معانی «ربع»، در فرهنگ و زبان‌های باستان دانست. از این روست که «کثرت»، از جمله معانی اصلی نمادین عدد چهار در ادیان و فرهنگ‌های مختلف نیز به شمار می‌رود (کوپر، ۱۳۹۲: ۲۶۶؛ شیمل، ۱۳۹۵: ۱۱۰-۱۱۶؛ نورآقایی، ۱۳۸۷: ۴۸؛ شوالیه، گریبان، ۱۳۸۷، ج ۲: ۵۵۰-۵۶۰). ریشه «ربع» در زبان و فرهنگ عرب، همسو با زبان‌های باستان به معنای عدد چهار و «خانه» بوده است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۱۳۲؛ ابن درید، ۱۹۸۷، ج ۱: ۳۱۷؛ ازهری، ۱۳۴۷، ج ۲: ۲۲۴؛ زمخشری، ۱۹۷۹: ۲۱۷). در این میان کاربردهایی از «ربع» در زبان عرب یافت می‌شود که بر «کثرت» دلالت می‌کند؛ مانند «أرض مربعة» به مفهوم «کثیرة الیرابیع»، سرزمینی است که موش‌های صحرایی در آن‌جا فراوان هستند (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴، ج ۲: ۳۹) و «هو مربع» به معنای مرد «کثیر النکاح» است (همان: ۳۷). لذا «ربع» در اصل، به معنای عدد چهار و چهارتایی‌هاست که از مفاهیم ملموسی چون مربع و خانه گرفته شده است؛ قرآینی نیز، بر وجود معنای «کثرت» در برخی کاربردهای این کلمه دلالت می‌کند.

براین اساس، غالب لغویان و لغت‌پژوهان، ضمن اشاره به غیرمنصرف بودن اعداد معدوله بر عدول این اعداد از تکرار نیز، تأکید کرده‌اند. لذا «مثنی»، «ثلاث» و «رباع» را باید واجد مفاهیم ضمنی چون «تکرار» و به تبع آن «کثرت»، دانست. نمونه‌هایی از موارد استعمال این اعداد در فرهنگ و زبان عرب یافت می‌شود که بر معانی فوق دلالت می‌کند؛ مانند دستور حجاج به تعقیب اصحاب ابن اشعث: «شرع الحجاج فی تتبع اصحاب ابن الاشعث فجعل یقتلهم مثنی و فرادی» (ابن کثیر، ۱۴۰۸، ج ۹: ۶۲). حجاج، به عمال خویش حکم کرده که پس از تعقیب اصحاب ابن اشعث، شروع کنند به قتل ایشان، دوتا دوتا و یکی یکی که واجد مفهوم ضمنی «تکرار» است. آورده‌اند که مشرکین شنیده بودند پیامبر اسلام (ص) پروردگارش را «یا ربنا الله و یا رب الرحمن» می‌خواند، پس گمان بردند که او دو خدا دارد، آن‌گاه گفتند: «أنه یدعو واحداً و هو یدعو مثنی» (طبری، ۱۸۷۹، ج ۱۵: ۱۲۱؛ جوادعلی، ۱۳۹۱، ج ۹: ۱۸)؛ یعنی او به [خدای] واحد دعوت می‌نماید، در حالی که خودش دوتا دوتا (دو خدا دو خدا)، می‌خواند. برداشت اشتباه مشرکان که ناشی از درک نادرست ایشان از اسماء و صفات الهی است. در جمله مذکور مشاهده می‌شود که کاربرد «مثنی» در این‌جا نیز با معنای ضمنی «تکرار»، گره خورده است.

پیوند مفاهیم «تکرار» و «کثرت» را می‌توان با تکیه بر «تصویرگونگی کمیت» در زبان‌شناسی شناختی نیز، ارایه کرد. هرگاه تصویری از جهان در زبان بازتابنده شود، با تصویرگونگی روبرو هستیم. تصویرگونگی نشانه‌های زبانی، به معنای همانندی صوری و محتوایی نشانه‌های زبانی است؛ بدین‌سان که ویژگی‌های صوری یک صورت زبانی، معنی آن صورت زبانی را تداعی کند (عبدالکریمی و نعمتی، ۱۳۹۵: ۱۵۱). تصویرگونگی کمیت، بروز کمیت معنا در کمیت صورت یک نشانه زبانی است. به عنوان نمونه، در واژه‌ای مانند «دوان دوان»، کمیت افزون‌تر معنا در قالب کمیت‌های افزون‌تر صورت، نمود پیدا می‌کند (گلفام و قمشه‌ای، ۱۳۹۱: ۱۵۸). طبق این اصل، افزایش کمیت صورت با افزایش کمیت معنا در ارتباط مستقیم است و بالاترین درجه تصویرگونگی صوری، زمانی محقق می‌شود که

تحلیلی بر دلالت «اعداد معدوله» در تعبیر قرآنی «مثنی و ثلاث و رباع» ... علی‌رضا فخاری و زهرا بشارتی

پایه به طور کامل تکرار شود؛ مانند «راه راه»، «پیچ پیچ»، «پاره پاره»، «طبقه طبقه» و ... به لحاظ معنایی نیز دوگان ساخت زمانی از بالاترین درجه تصویرگونگی برخوردار است که در بردارنده معانی فزونی، تکرار و تداوم باشد.

بر این اساس، دوگان ساخت‌هایی مانند «اثنان اثنان»، «ثلاثه ثلاثه»، «اربعه اربعه» نیز با عنایت به تصویرگونگی کمیت، دارای مفاهیمی چون فزونی، تکرار، تداوم و شدت هستند و از آن‌جا که تعبیر «مثنی و ثلاث و رباع»، حاوی مجموعه‌ای متنوع شامل سه نوع دوگان ساخت است، در کنار این معانی، می‌توان معنای تنوع را نیز لحاظ کرد. لذا با عنایت به تصویرگونگی کمیت و ریشه‌شناسی و نمادشناسی «ثنی»، «ثلث» و «ربع» می‌توان معانی «تکرار و تنوع» را برای اعداد معدوله فوق، در ضمن معنای اصلی این اعداد که شمارش است، مطمح نظر قرار داد.

۴- آیات مربوطه و آرای مترجمان

اعداد معدوله به شکل معطوف با یکدیگر: «مثنی و ثلاث و رباع»؛ دوبار در آیات ۳ سوره نساء و ۱ سوره فاطر، استعمال شده است. در این میان، عدد معدول «مثنی» به تنهایی در سه آیه ۴۶ سوره سبأ، ۸۷ سوره حجر و ۲۳ سوره زمر به کار رفته است. در پژوهش حاضر، چهل ترجمه فارسی متعلق به دو قرن اخیر بررسی شده است. جهت جلوگیری از تراکم، نام مترجمان در جداولی که از نظر خواهد گذشت، ذکر شده است. همچنین برای چهار ترجمه المیزان فی تفسیر القرآن، بیان السعاده فی مقامات العباد، مجمع البیان فی تفسیر القرآن و کاشف که به طور مستقل انتشار نیافته و همراه با تفسیر ارایه گردیده، نام مترجم اثر در متن مقاله ذکر شده است.^۲

غالب مترجمان، «مثنی» در آیه ﴿قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَىٰ وَفَرَادَىٰ﴾ (سبأ/۴۶) را، به معنای «دوتا دوتا» ترجمه کرده‌اند و در این میان به ندرت ترجمه‌هایی چون «عدد دو» و «جمع» (کثرت)، ذیل تعبیر فوق مشاهده می‌شود.

جدول شماره ۱

آیه	عدد معدول به کار رفته	ترجمه	نام مترجم
سبأ/۴۶	مثنی	دوتا دوتا	صادقی تهرانی؛ آدینه وند؛ مشکینی اردبیلی؛ مکارم شیرازی؛ الهی قمشه‌ای؛ شعرانی؛ خرم دل؛ ارفع؛ انصاریان؛ برزی؛ رضاخانی؛ عبدالحمیدی؛ حجتی؛ رهنما؛ صلواتی؛ عاملی؛ فارسی؛ فولادوند؛ بروجردی؛ پاینده؛ موسوی؛ صفوی؛ یاسری؛ آیتی؛ قرشی؛ پورجوادی؛ دانش؛ رضایی؛ ثقفی تهرانی؛ سراج؛ صفی علی شاه؛ موسوی گرمارودی؛ مصباح زاده؛ معزی؛ صادق نوبری؛ بلاغی؛ خسروانی؛ امین.
		عدد دو	کاویان پور
		جمع (کثرت)	طاهری قزوینی

غالب مترجمان، «مثنی» (جمع مثنی)، در آیه ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي﴾ (حجر/۸۷) را به «سوره فاتحه الكتاب»، ترجمه نموده‌اند. برخی نیز نامی از سوره فاتحه الكتاب نیاورده و «سبعاً من المثنی» را به آیاتی که دوبار نازل شده یا دوبار قرائت شده است، ترجمه کرده‌اند. در ترجمه‌ای نیز، «سبعاً من المثنی» به «سور سبع طوال»، تعبیر شده است. دسته‌ای از مترجمان، ذیل این آیه برای «مثنی» مفهوم «دعا و ستودن» را ذکر کرده‌اند. همچنین گروهی مثنی را - بدون برگردان به فارسی - همان «مثنی» ترجمه کرده‌اند. در این میان یکی از مترجمان، به معنای «بند»، اشاره کرده و سبعاً من المثنی را هفت بند دانسته است.

جدول شماره ۲

آیه	عدد معدول به کار رفته	ترجمه	نام مترجم
حجر/ ۸۷	المثنی	فاتحه الكتاب	آدینه‌وند؛ انصاریان؛ برزی؛ فولادوند؛ موسوی گرمارودی؛ صادق‌نوبری؛ بلاغی؛ امین؛ الهی قمشه‌ای؛ بروجردی؛ عبدالحمیدی؛ حجتی؛ صلواتی؛ مکارم شیرازی؛ مشکینی اردبیلی؛ موسوی؛ صفوی؛ کاویان پور؛ یاسری؛ پورجوادی؛ دانش؛ رضایی؛ سراج؛ صفی‌علی‌شاه؛ خرم‌دل.
		آیاتی که دوبار نازل یا قرائت شده	شعرانی؛ مصباح‌زاده؛ ثقفی‌تهرانی.
		سور سبع طوال	خسروانی.
		دعا و ستودن	رضاخانی؛ ارفع؛ پاینده
		مثنی	رهنما؛ طاهری قزوینی؛ قرشی؛ صادقی‌تهرانی؛ عاملی؛ فارسی؛ آیتی.
		بند	معزی.

غالب مترجمان، مراد از «مثنی» در این آیه ﴿كِتَابًا مُّشَابِهًا مَّثَانِي﴾ (زمر/ ۲۳) را، «آیات مکرر» دانسته‌اند. تعدادی از ایشان نیز، به ذکر مصادیق آیات مکرر در قرآن مانند داستان‌های تکرار شونده؛ تکرار «ثنای الهی» در قرآن و «وعد و وعید»، پرداخته‌اند. در این میان برخی نیز تکرار را با بیان عددی «دوتا دوتا» نمود بخشیده‌اند. همچنین معنای عددی «دو»، بدون نظرداشت تکرار در قالب معنای «دوتایی» در آرای برخی مترجمان مشاهده می‌شود. ترجمه‌های دیگری چون «دوگانه» و «جفت» نیز به چشم می‌خورد. برخی از مترجمان نیز، معانی غیرعددی، مانند معطوف بودن؛ منعطف بودن؛ هم‌نوا بودن و ملثم بودن را مطمح نظر قرار داده‌اند. برخی نیز، همان کلمه «مثنی» را آورده و بعضی اصلاً آن را ترجمه نکرده‌اند.

جدول شماره ۳

آیه	عدد معدول به کار رفته در آیه	ترجمه	نام مترجم
زمر/۲۳	مثانی	آیات مکرر	برزی؛ رضاخانی؛ حجتی؛ مکارم شیرازی؛ یاسری؛ تقفی تهرانی؛ سراج؛ ارفع؛ آدینه وند؛ عبدالحمیدی؛ طاهری قزوینی؛ کاویان پور؛ پورجواد؛ رضایی؛ موسوی گرماردی؛ صادق نویری؛ خرم دل.
		داستان های تکرار شونده	انصاریان؛ خسروانی.
		تکرار ثنای الهی	الهی قمشه ای؛ امین؛ بروجردی.
		تکرار وعد و وعید	فولادوند؛ پاینده.
		دوتا دوتا	آیتی؛ دانش؛ بلاغی؛ رهنما.
		دوگانه	عاملی؛ فارسی.
		ملثم بودن	قرشی.
		معطوف بودن	مشکینی اردبیلی.
		منعطف بودن	موسوی.
		همنوا بودن	صلواتی.
		مثانی	شعرانی؛ صفی علی شاه؛ مصباح زاده.
		بدون ترجمه	صفوی؛ معزی؛ صادقی تهرانی.

گروهی از مترجمان، «مثنی و ثلاث و رباع» در آیه ﴿فَانْكُحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَ ثَلَاثَ وَ رُبَاعَ﴾ (نساء/۳) را، به «دو دو، سه سه و چهار چهار»، ترجمه کرده و دسته‌ای دیگر، معنای «دو و سه و چهار» را برای تعبیر مذکور برگزیده‌اند. بعضی نیز به «دو یا سه یا چهار» تعبیر کرده‌اند و برخی دیگر به ذکر معنای «دوگان، سه‌گان و چهارگان»، برای «مثنی و ثلاث و رباع» پرداخته‌اند.

باید در نظر داشت، دهخدا معانی دو، دوجنبه ای (دو نوعی)، دوتایی و دوتا دوتا را ضمن ارایه شواهدی از متون ادب فارسی برای «دوگان» آورده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۱:

تحلیلی بر دلالت «اعداد معدوله» در تعبیر قرآنی «مثنی و ثلاث و رباع» ... علی‌رضا فخاری و زهرا بشارتی

۲۸۹۱). لذا ترجمه «دوگان»، می‌تواند بر عدد دو، تکرار عدد دو - یعنی مجموعه‌ای از دوتایی‌ها که بیانگر تعدد است - و نیز، نوع و جنبه، دلالت کند. به دیگر بیان، هم می‌تواند معنای عددی دو و هم، مفهوم «تعدد و تنوع» را بیان نماید.

جدول شماره ۴

آیه	اعداد معدوله به کار رفته	ترجمه	نام مترجم
نساء/۳	مثنی و ثلاث و رباع	دو دو، سه سه و چهارچهار	آیتی؛ قرشی؛ انصاریان؛ صادقی تهرانی؛ فولادوند؛ رضایی؛ تقفی تهرانی؛ سراج؛ صلواتی؛ دانش؛ موسوی گرمارودی؛ پاینده.
		دو و سه و چهار	ارفع؛ پورجوادی؛ شعرانی؛ صفی علی شاه؛ معزی؛ برزی؛ طاهری قزوینی؛ مصباح زاده.
		دو یا سه یا چهار	آدینه‌وند؛ الهی قمشه‌ای؛ بروجردی؛ موسوی؛ صفوی؛ رضاخانی؛ عاملی؛ عبدالحمیدی؛ حجتی؛ خسروانی؛ کاویانپور؛ امین؛ مکارم شیرازی؛ صادق نوبری؛ یاسری؛ خرم دل.
		دوگانه، سه گانه و چهارگان	بلاغی؛ رهنما؛ فارسی؛ مشکینی اردبیلی.

ترجمه‌های «مثنی و ثلاث و رباع»، در آیه ﴿أُولَیْ أَجْنَحَ مَثْنَى وَ ثَلَاثَ وَ رُبَاعَ﴾ (فاطر/۱) نیز، همانند آیه پیشین، به چهار دسته کلی تقسیم می‌شود:

گروه اول، ترجمه «دو دو، سه سه و چهار چهار» را برگزیده‌اند و سه گروه دیگر نیز، معانی «دو و سه و چهار؛ «دو یا سه یا چهار»؛ «دوگانه، سه‌گانه و چهارگانه» را ذکر کرده‌اند. هرچند تنوع آراء و دسته‌بندی‌های کلی نظرات ذیل این آیه و آیه ۳ سوره نساء تفاوتی ندارد، لکن نکته تأمل برانگیز، گوناگونی ترجمه یک مترجم ذیل این تعبیر در دو آیه فوق‌الذکر است که در موارد زیادی مشاهده می‌شود.

جدول شماره ۵

آیه	اعداد معدوله به کار رفته	ترجمه	نام مترجم
فاطر/۱	مثنی و ثلاث و رباع	دو دو، سه سه و چهارچهار	صفی علی شاه؛ مصباح زاده؛ معزی؛ صادق نوبری؛ خرم دل؛ آیتی؛ قرشی؛ پورجوادی؛ دانش؛ رضایی؛ تقی تهرانی؛ سراج؛ شعرانی؛ موسوی گرمارودی.
		دو و سه و چهار	الهی قمشه ای؛ بروجردی؛ پاینده؛ موسوی؛ صفوی؛ یاسری.
		دو یا سه یا چهار	بلاغی؛ خسروانی؛ امین.
		دوگانه، سه گانه و چهارگانه	آدینه وند؛ رهنما؛ صلواتی؛ فارسی؛ فولادوند؛ صادقی تهرانی؛ ارفع؛ کاویان پور؛ مشکینی اردبیلی؛ طاهری قزوینی؛ عاملی؛ برزی؛ رضاخانی؛ عبدالحمیدی؛ حجتی؛ انصاریان؛ مکارم شیرازی.

۴-۱- بررسی آماری

حاصل بررسی آماری ترجمه‌های فوق، برای دو عدد «مثنی» و «مثنائی» در جدول (۶) و دو آیه‌ای که شامل تعبیر «مثنی و ثلاث و رباع» می‌شوند، در جدول (۷) ارائه گردیده است. اعداد درون جداول، با معیار درصد بیان شده‌اند. برپایه داده‌های جدول (۶)، غالب مترجمان، «مثنی» در آیه ﴿أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِيَ خُفٍّ﴾ (سبا/۴۶) را، به مفهوم تکرار در اعداد معدوله (دو دو)، ترجمه نموده‌اند. در این بررسی آماری، هیچ مترجمی «مثنائی» (جمع مثنی) در آیه ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمِثْلَانِ﴾ (حجر/۸۷) را، به معنای (دو دو) ندانسته، بلکه اکثر ایشان با ذکر مصداق، بر مفهوم تکرار صحه گذاشته‌اند. چنین رویکردی در ترجمه آیه ﴿كِتَابًا مُّشَابِهًا مِّثْلَانِ﴾ (زمر/۲۳) مشاهده می‌شود.

مترجمان، از تعبیر «مثنی و ثلاث و رباع» در آیه ﴿فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مِثْلِي وَ ثَلَاثَ وَ رُبَاعَ﴾ (نساء/۳)، ترجمه‌های گوناگونی ارائه کرده‌اند. بررسی آماری، نشان می‌دهد ۳۷,۵ درصد از ترجمه‌ها معنای «دو یا سه یا چهار» را در نظر گرفته و ۳۰ درصد، معنای

تحلیلی بر دلالت «اعداد معدوله» در تعبیر قرآنی «مثنی و ثلاث و رباع» ... علی‌رضا فخاری و زهرا بشارتی

«دو دو، سه سه و چهار چهار» را برگزیده‌اند. در این میان، ۲۲٫۵ درصد، به ترجمه «دو و سه و چهار»، روی آورده‌اند و تنها ۱۰ درصد، تعبیر مذکور را به «دوگانه، سه گانه و چهارگانه»، معنی نموده‌اند. براین اساس، مترجمان در ترجمه تعبیر فوق، اتفاق نظر نداشته‌اند، هرچند بیش‌ترین اقبال به معادل «دو یا سه یا چهار» وجود داشته است.

آرای مترجمان، ذیل «مثنی و ثلاث و رباع» در آیه ﴿أُولَیْ اُجْنَحَ مَثْنٰی وَ ثَلَاثَ وَ رُبَاعَ﴾ (فاطر/۱) نیز، در چهار دسته معنایی شامل «دوگانه، سه گانه و چهارگانه» (۴۲٫۵ درصد)، «دو دو، سه سه و چهارچهار» (۳۵ درصد)، «دو و سه و چهار» (۱۵ درصد) و «دو یا سه یا چهار» (۷٫۵ درصد)، جای می‌گیرد. رویکرد مترجمان، نسبت به این آیه - در مواردی - عکس آیه ۳ سوره نساء بوده، چنان‌که ترجمه «دو یا سه یا چهار»، کم‌ترین درصد و «دوگانه، سه گانه و چهارگانه»، بیش‌ترین درصد از آرای ایشان را به خود اختصاص داده‌اند و در سایر ترجمه‌ها از این حیث تغییر چندان محسوسی به چشم نمی‌خورد.

جدول ۶- ترجمه‌های «مثنی» و «مثنائی» در قرآن

ردیف	آیات	عدد دو و دوگان	تکرار یا مصادیقش	دو دو (تکرار عددی)	ترجمه‌های غیر عددی	بدون ترجمه
۱	آیه ۴۶ سوره سبا	۲٫۵	۰	۹۵	۲٫۵	۰
۲	آیه ۸۷ سوره حجر	۰	۷۲٫۵	۰	۱۰	۱۷٫۵
۳	آیه ۲۳ سوره زمر	۵	۶۰	۱۰	۱۰	۱۵

جدول ۷ - ترجمه‌های «مثنی و ثلاث و رباع» در قرآن

ردیف	نام ترجمه	دو گانه سه گانه چهارگانه	دو دو سه سه چهار چهار	دو و سه و چهار	دو یا سه یا چهار
۱	آیه سه سوره نساء	۱۰	۳۰	۲۲٫۵	۳۷٫۵
۲	آیه ۱ سوره فاطر	۴۲٫۵	۳۵	۱۵	۷٫۵

۵- تحلیل و بررسی ترجمه ها

تحلیل ترجمه‌های قرآن با عنایت به بافتی که در آن استعمال شده‌اند، یعنی متن آیات و با تکیه بر قراین حالیه و مقالیه از اهمیت ویژه‌ای نسبت به بررسی سایر معانی که قرآینی خارج از متن الهی قرآن هستند، برخوردار است. از این رو هریک از اعداد معدوله‌ای که پیش‌تر مورد توجه قرار گرفته بود، در این بخش، از منظر معنای بافتی تحلیل شده است. واژه «مثنی» همنشین با «فرادی»، در آیه «قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَى وَفَرَادَى» (سبا/۴۶)، استعمال شده است. بافت آیه از قیام برای خدا به صورت «مثنی و فرادی» سخن به میان آورده است.

غالب مفسران از «مثنی و فرادی» به یکی یکی و دوتا دوتا تعبیر کرده‌اند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲: ۷۰؛ طوسی، بی تا، ج ۸: ۴۰۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸: ۶۱۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳: ۵۹۰). برخی نیز، به مفهوم «کثرت» برای «مثنی»، اشاره داشته‌اند (ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۲: ۸۸۷؛ نیشابوری، ۱۴۱۶، ج ۵: ۵۰۱؛ مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۱۰: ۴۹۶؛ ابن عاشور، بی تا، ج ۲: ۹۳). براین اساس، بانظرداشت بافت آیه که از تقابل مفهومی «مثنی و فرادی»، استفاده کرده و نیز مفهوم تکرار در ساختار اعداد معدوله، می‌توان همسو با رأی مفسران و مترجمانی که از «مثنی و فرادی» به مفهوم «تکرار» یا «جمع»، تعبیر کرده‌اند، معنای «تکرار» را برای «مثنی» در نظر گرفت. «مثنی» به صورت جمع «المثنائی»، در آیه «وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي» (حجر/۸۷) نیز، به کار رفته است. بافت این آیه نیز، از اعطای چیزی به پیامبر اکرم (ص) حکایت می‌کند که هم می‌تواند در قالب شمارشی هفت دوتایی باشد و هم مصادیقی غیرشمارشی که غالب مفسران به آن‌ها اشاره کرده‌اند. ایشان با تکیه بر دلایلی چون تکرار سوره حمد در نماز، تکرار کلمات آن، تکرار نزول سوره حمد، آن را به سوره «فاتحه الکتاب»، معنی کرده‌اند (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۲: ۴۳۶؛ سمرقندی، بی تا، ج ۲: ۲۶۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۵۳۰؛ ماوردی، بی تا، ج ۳: ۱۷۰؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۱: ۳۴۱). برخی نیز، آن را سور «سبع طوال» می‌دانند؛ چون فرائض و حدود، در این سوره‌ها تکرار شده است (طبری، ۱۴۱۲،

ج ۱۴: ۳۶؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۷: ۲۲۷۲؛ عاملی، ۱۳۶۰، ج ۵: ۳۱۱. بنابراین می‌توان به احتمال وجود مفهوم ضمنی «تکرار کردن» برای «سبعاً من المثنی» در آیه مذکور، اشاره کرد. با عنایت به این‌که در نوشتار حاضر، تنها بررسی وجه شمارشی یا نمادین واژه «مثنی» ضرورت دارد، تعیین دقیق مصداق، برای «سبعاً من المثنی» و واکاوی همه نظرات، نیازمند بررسی گسترده‌تر در مجال دیگری است. واژه «مثنی» در آیه ﴿كِتَاباً مُّشَابِهاً مِّثْنِی﴾ (زمر/۲۳) نیز، استعمال شده است. برخی مفسران، معتقدند به دلیل وجود تکرار در برخی موضوعات و قصص قرآن، مقصود از «کتاب متشابه» در این آیه، «قرآن» است (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۳: ۶۷۵؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۸: ۲۳۰؛ مهدی قمی، ۱۳۶۸، ج ۱۱: ۲۹۸؛ سیدقطب، ۱۴۱۲، ج ۵: ۳۰۴۸). در این میان، دیدگاهی نیز مطرح شده که معنای «مثنی» را تعدد می‌داند (ابن عاشور، بی تا، ج ۲۴: ۶۹). براین اساس می‌توان معنای «تکرار» را فصل مشترک معانی غیرشمارشی احتمالی با عنایت بافت آیاتی دانست که «مثنی» در آن‌ها استعمال شده است. چنین رویکردی مؤید آرای غالب مترجمان است که «مثنی» و جمع آن «مثنی» را به «دو» یا «مصادیقی که تکرار در آن متصور است»، ترجمه کرده‌اند. باید در نظر داشت مفهوم «تکرار» در این ترجمه (جز در مواردی که برای مصادیق خاصی ذکر شده است)، به عنوان یک معنای ضمنی جریان دارد.

خداوند در آیه ﴿فَانْكَحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مِثْنِی وَ ثَلَاثَ وَ رُبَاعَ﴾ (نساء/۳)، ضمن استعمال اعداد معدوله، تعداد زنانی را که ازدواج با ایشان جایز است، بیان داشته است. این آیه با شرط ﴿وَ اِنْ خِفْتُمْ اَلَا تَقْسُطُوا فِی الْیَتَامِی﴾، آغاز شده و در ادامه با آوردن فعل امر «فانکحوا»، حکمی صادر نموده است. لذا بافت آیه، درصدد بیان حکمی درباره موضوع «ازدواج با زنان» با شرط «برقراری قسط میان یتیمان»، است. از آنجایی که مخاطب آیه، باید بر پایه فهمی که از «مثنی و ثلاث و رباع» حاصل می‌شود، عمل نماید، به نظر می‌رسد مفهومی مشخص و دقیق و نه، نمادین اراده شده باشد و زبان آیه، کنایی یا رمزآلود نباشد.

غالب مفسران، «مثنی و ثلاث و رباع» را همان عدد چهار می‌دانند (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۱: ۳۵۷؛ طوسی، بی تا، ج ۳: ۱۰۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱: ۴۶۷؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۶: ۱۷۱؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۴: ۲۶۷). دیدگاه‌هایی نیز تعبیر مذکور را دال بر بیش از عدد چهار دانسته به این که از استفاده اعداد مکرر (معدوله)، زیاد بودن افراد - و نه جمع و شمارش نهایی - آن‌ها مشخص می‌گردد (شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۴۸۳؛ قاسمی، ۱۴۱۸، ج ۳: ۱۷-۲۱). دیگر از مفسران، دیدگاه فوق را مردود دانسته و معتقدند چون خطاب در آیه به تمامی مردم است، نه به یک نفر، هریک از این سه کلمه با حرف «واو» از دیگری جدا شده تا تخییر را برساند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱: ۴۶۷؛ مراغی، بی تا، ج ۴: ۱۸۰؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۴: ۲۶۷).

بر این اساس، صحت دیدگاه‌هایی که دلالت «مثنی و ثلاث و رباع» را بر عددی نامعین می‌داند، بعید می‌نماید. مواجهه مترجمان با اعداد معدوله نیز، در آیه ۳ سوره نساء می‌تواند با تکیه بر تأمل در کارکردهای سیاق آیه و افعال به کار رفته در آن تحلیل شود. با عنایت به رنگ و بوی فقهی در سیاق آیه ۳ سوره نساء، قرینه‌های روایی، دال بر حصر عدد زوجات در چهار و نیز کارکرد فعل امر «فانکحوا» در مخاطب به جمع، دلالت «مثنی و ثلاث و رباع» بر عدد نامعین یا مفهوم کثرت، بعید بوده و مفهوم «تخییر بین دو تا چهار» برای این تعبیر در آیه مذکور، محتمل می‌نماید. لذا به نظر می‌رسد، به کارگیری «یا»، در ترجمه‌های فارسی در معنای «دو یا سه یا چهار»، معنای نزدیک‌تری با مفهوم «تخییر» در تعبیر فوق‌الذکر داشته باشد که در آرای مترجمان نیز، بیش از سایر معانی در جدول (۲) برای آیه ۳ سوره نساء به چشم می‌خورد. در این میان معنای «دو دو، سه سه و چهار چهار»، با هیچ‌یک از عواملی چون سیاق و کارکرد فعل و خطاب‌های آیه، سازگار نبوده و به نظر می‌رسد تنها با تکیه بر مفهوم‌شناسی «تکرار» در «اعداد معدوله» ذکر شده است. کاربرد «واو» در ترجمه «دو و سه و چهار»، مفهوم «جمع» را برای فارسی‌زبانان تداعی می‌نماید که با توجه به ذهنیت غالب مترجمان، نسبت به جواز عدد چهار برای تعدد زوجات کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. ترجمه «دوگانه، سه‌گانه و چهارگانه» نیز، با توجه به این که غالباً در زبان فارسی جهت بیان

نوع نیز به کار می‌رود، در استناد به جواز ازدواج، استعمال عرفی نداشته و از این رو از سوی مترجمان نیز برای چنین تعبیری در آیه ۳ سوره نساء با استقبال مواجه نشده است.

تعبیر «مثنی و ثلاث و رباع»، در آیه ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَّثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ﴾ (فاطر/۱) نیز، استعمال شده است. در این آیه، «فطر»، حسب معنای «ایجاد شیئی پس از گستردن و شکافتن» (فرایدی، ۱۴۰۹، ج ۷: ۱۷؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴: ۵۱۰؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۹: ۱۱۱) بر ایجاد آسمان‌ها و زمین که مظاهر عظیم هدایت بخش این عالم هستند، دلالت می‌کند. سپس به «انتصاب» ملائکه در موقعیت رسالت، اشاره شده و در ادامه، سخن از بال‌های فرشتگان به میان آمده است. «مثنی و ثلاث و رباع»، بایستی هم، با مفهوم عظمت آفرینش آسمان‌ها و زمین و هم، برگزیدن ملائکه به «رسل»، رابطه معنایی داشته باشد و با ادامه آیه که می‌فرماید: ﴿يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ﴾، مرتبط گردد. غالب مفسران، «زیادت در خلقت» را دال بر خلقت ملائکه و غیر از آن (یعنی تمامی موجودات) دانسته‌اند (حق‌ی بروسوی، بی تا، ج ۷: ۳۱۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۱: ۳۳۸؛ حسینی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۹؛ ابن عاشور، ج ۲۲: ۱۱۱). برخی دیگر، چنین افزایشی را از مقوله «توسعه» در آیه ﴿السَّمَاءُ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ﴾ (ذاریات/۴۷)، دانسته و بر این باورند که مراد از «زیادت در خلق»، توسعه موجودات عالم است (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲۴: ۲۹۸؛ میدانی، ۱۳۶۱، ج ۷: ۳۰). گروهی نیز، با نظر داشت روایاتی که وجود بال‌های متعدد برای ملائکه را مطرح کرده^۲، ﴿أُولِي أَجْنِحَةٍ مَّثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ﴾ را دال بر تعدد و کثرت بال‌های ملائکه در عین تفاوت ویژگی‌ها و درجاتشان آورده‌اند (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۴: ۲۵۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۴: ۲۲۹؛ ابن عجبیه، ۱۴۱۹، ج ۴: ۵۱۳؛ مراغی، بی تا، ج ۲۲: ۱۰۴).

بر این اساس، به نظر می‌رسد معنای «تکرار و تنوع» که پیش‌تر در مفهوم‌شناسی اعداد معدوله مورد توجه قرار گرفت، با بافت و اجزای مختلف آیه که از «عظمت» و «افزایش» و «توسعه» حکایت می‌کند، رابطه معنایی نزدیکی دارد. لذا با تکیه بر مفهوم ضمنی در ریشه

اعداد معدوله که بر «تکرار» دلالت می‌کرد و سیاق آیه ۱ سوره فاطر که نه فقهی است و نه ساختاری امری و طلبی دارد؛ بلکه به اخبار از عظمت آفرینش، جهت هدایتگری انسان می‌پردازد، معنای «تکرار و تنوع» را می‌توان در ضمن معانی شمارشی برای «مثنی و ثلاث و رباع» در نظر گرفت. بر این اساس، ترجمه فارسی «دوگانه، سه‌گانه و چهارگانه»، با توجه به دارا بودن هر دو جنبه «تنوع» و «تکرار» برای اعداد معدوله در این آیه، دقیق‌تر به نظر می‌رسد (پیش‌تر اشاره شد که «دوگان» و مانند آن مضاف بر مفهوم شمارشی و اصلی «دو» که حاکی از تعدد است، بر «نوع» و «جنبه» نیز دلالت می‌کند)؛ در حالی که کاربرد «یا»، در «دو یا سه یا چهار»، به مفهوم «تخیر» نزدیک بوده و بر تعدد، دلالت ندارد. از این روست که در آیه ۱ سوره فاطر، چنین معنایی برای تعبیر قرآنی «مثنی و ثلاث و رباع»، کم‌تر مطمح‌نظر مترجمان قرار گرفته است. معنای «دو دو، سه سه و چهار چهار»، قریب به مضمون «تکرار و تعدد» است و روی‌آوری برخی مترجمان به این معنا برای آیه ۱ سوره فاطر توجیه پذیرتر از آیه قبلی است. ترجمه «دو و سه و چهار» نیز، مفهوم تکرار در اعداد معدوله و به تبع آن معنای تعدد و کثرت را نمی‌رساند؛ لذا با کارکردهای بافت، همخوانی نداشته و مترجمان نیز کم‌تر با چنین معنایی مأنوس بوده‌اند. بنابراین اعداد معدوله «مثنی و ثلاث و رباع» در ریشه واجد مفهوم «تکرار» هستند و با نظرداشت تصویرگونگی کمیت مفهوم «کثرت و تنوع» را دارا می‌شوند. این معنا، در بافت تمامی آیاتی که در آن به کار رفته، مشهود است؛ لکن در آیه ۳ سوره نساء با توجه به کاربرد فعل امر «فانکحوا»، در مقابل خطاب جمع قرار می‌گیرد و بر تخیر بین اعداد دو، سه و یا چهار دلالت می‌کند. لذا برای این آیه، ترجمه «دو یا سه یا چهار» که تخیر را می‌رساند، صحیح‌تر از سایر معانی است و در تمامی آیات به غیر از آیه ۳ سوره نساء، ترجمه «دوگانه، سه‌گانه و چهارگانه» با عنایت به تکرار، کثرت و تنوعی که پیش‌تر به آن اشاره شد، بر سایر ترجیح دارد.

۶- نتیجه‌گیری

براساس آنچه گذشت، پژوهش حاضر به نتایج زیر دست یافته است:

۱- ریشه‌های «ثنی»، «ثلاث» و «رباع» در زبان‌های سامی و فرهنگ و زبان عربی، در اصل به معنای عددی و شمارشی «دو»، «سه» و «چهار» بوده‌اند، لکن بر معانی ضمنی دیگری چون «تکرار» و «کثرت» نیز دلالت می‌کنند که در برخی کاربردهای ریشه‌های مذکور مشاهده می‌شود.

۲- با عنایت به معانی فوق و پیوند مفاهیم تکرار و کثرت در دوگان ساخت‌ها نیز، مفهوم تکرار در اعداد معدوله، می‌توان معنای «کثرت و تنوع» را برای «مثنی و ثلاث و رباع» در ضمن مفهوم شمارشی و اصلی، مطمح نظر قرار داد و با تکیه بر قراین حالیه و مقالیه به ترجمه تعبیر فوق، مبادرت ورزید.

۳- براین اساس، تفاوت چشمگیر آرای مترجمان ذیل این اعداد را نیز می‌توان در دو محور کلی تبیین کرد. اول میزان توجه مترجم به تأثیر روابط معنایی شمار واژه‌های مذکور با واژگان، افعال و سایر اجزای آیه در آیات مورد بحث و در ثانی نظر داشت بافت آیاتی که بایست، ترجمه شوند.

۴- از آنجایی که «دوگان» و مانند آن، مضاف بر مفهوم تکرار «دو دو» که حاکی از تعدد است، بر «نوع» و «جنبه» نیز دلالت می‌کند، از میان ترجمه‌های متنوعی که ذیل «مثنی و ثلاث و رباع» ارایه شده، ترجمه «دوگانه و سه‌گانه و چهارگانه» پیشنهاد می‌شود. این ترجمه ضمن دلالت بر مفهوم شمارشی اعداد دو و سه و چهار، واجد مفهوم ضمنی تکرار و تنوع نیز هست و از این حیث بر سایر ترجمه‌ها ترجیح دارد؛ لکن در برخی مواضع با لحاظ قراین حالیه و مقالیه، مفهوم ضمنی تنوع و تکرار از بافت کلام دریافت نمی‌شود. مانند آیه «فَانْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنً وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ» (نساء/۳) (که بافت آن از تشریع و قانون حکایت می‌کند و رابطه معنایی اعداد معدوله با فعل طلبی، خطاب جمع و ...

در آن مصداق دارد)، معنای تخییر بین اعداد مذکور مرجح می‌نماید که با ترجمه «دو یا سه یا چهار» که از سوی گروهی از مترجمان ارایه شده بود، همسو است.

۷- پی‌نوشت

۱ جهت شرح بیشتر به متن کارگاه ریشه‌شناسی احمد پاکتچی که در متن کتاب معناشناسی و مطالعات قرآنی به کوشش فروغ پارسا انعکاس یافته، مراجعه شود.
۲ این مترجمان به ترتیب عبارتند از: موسوی همدانی، رضاخانی، عبدالحمیدی و دانش.
۳ از آن جمله روایتی از امام صادق (ع) است که می‌فرماید: «وَقَدْ رَأَى رَسُولُ اللَّهِ ص جَبْرَائِيلَ وَ لَهُ سِتْمَاءٌ جَنَاح...» (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲: ۲۰۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۴: ۲۲۹).

۸- منابع

*قرآن کریم

۱. آدینه‌وند لرستانی، محمدرضا، کلمه الله العلیا، تهران، اسوه، (۱۳۷۷ش).
۲. آرلاتو، آنتونی، درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی، ترجمه: یحیی مدرسی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (۱۳۷۳ش).
۳. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، (۱۴۱۵ق).
۴. آیتی، عبدالمحمد، ترجمه قرآن، تهران، سروش، (۱۳۷۴ش).
۵. ابن اثیر جزیری، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، تحقیق محمود محمد طناحی، قم، اسماعیلیان، (۱۳۶۷ش).
۶. ابن جنی، أبو الفتح عثمان، مصر، الهیئة المصریة العامه للكتاب، (۲۰۱۰م).
۷. ابن درید، محمد بن حسن، جمهره اللغة، تحقیق رمزی منیر بعلبکی، بیروت، دارالعلم للملایین، اول، (۱۹۸۷م).
۸. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر و التنویر، بی‌مک، بی‌نا، (بی‌تا).

تحلیلی بر دلالت «اعداد معدوله» در تعبیر قرآنی «مثنی و ثلاث و رباع» ... علی‌رضا فخاری و زهرا بشارتی

۹. ابن عجبیه، احمد بن محمد، البحرالمذید فی تفسیر القرآن المجید، قاهره، حسن عباس زکی، (۱۴۱۹ق).
۱۰. ابن عطیه اندلسی، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت، دارالکتب العلمیه، (۱۴۲۲ق).
۱۱. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغه، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، (۱۴۰۴ق).
۱۲. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایه و النهایه، تحقیق علی شیری، بیروت، داراحیاء التراث، (۱۴۰۸ق).
۱۳.، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه منشورات محمد علی بیضون، (۱۴۱۹ق).
۱۴. ابن مالک، محمد بن عبد الله، أبو عبد الله، جمال الدین، شرح الکافیہ الشافیہ، تحقیق: عبدالمنعم احمد هریدی، مکه، مرکز البحث العلمی و احیاء التراث الاسلامی، بی‌تا.
۱۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصادر، چاپ سوم، (۱۴۱۴ق).
۱۶. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، (۱۴۰۸ق).
۱۷. ارفع، کاظم، ترجمه قرآن، تهران، فیض کاشانی، (۱۳۸۱ش).
۱۸. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغه، تصحیح محمد هارون عبدالسلام، محمد علی نجار، قاهره، المؤسسة المصریة العامه، (۱۳۴۷ق).
۱۹. الهی قمشه‌ای، مهدی، ترجمه قرآن، قم، فاطمه الزهراء، (۱۳۸۰ش).
۲۰. امین، نصرت بیگم، تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، بی‌مک، بی‌نا، بی‌تا.
۲۱. انصاریان، حسین، ترجمه قرآن، قم، اسوه، (۱۳۸۳ش).
۲۲. برزی، اصغر، ترجمه قرآن و نکات نحوی قرآن، تهران، بنیاد قرآن، (۱۳۸۲ش).
۲۳. بروجردی، محمد ابراهیم، ترجمه قرآن، تهران، کتابخانه صدر، (۱۳۶۶ش).
۲۴. بلاغی، عبدالحجت، حجه التفاسیر و بلاغ الاکسیر، قم، حکمت، (۱۳۸۶ق).

۲۵. بیضاوی، عبدالله بن عمر، *انوار التنزیل و اسرار التاویل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، (۱۴۱۸ق).
۲۶. پارسا، فروغ، معنانشناسی و مطالعات قرآنی (مجموعه درس گفتارها)، تهران، انجمن ایرانی مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، (۱۳۹۷ش).
۲۷. پاکتچی، احمد، نگاشت های بنیادی در اعداد دو تا پنج، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی معنانشناسی شناختی، (۱۳۹۵ش).
۲۸. پاینده، ابوالقاسم، ترجمه قرآن، تهران، جاویدان، (۱۳۵۷ش).
۲۹. پورجوادی، کاظم، ترجمه قرآن، تهران، بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، (۱۴۱۴ق).
۳۰. ثعلبی، ابوالسحاق، *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، چاپ اول، (۱۴۲۲ق).
۳۱. ثقفی تهرانی، محمد، روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، تهران، برهان، (۱۳۹۸ق).
۳۲. جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة*، تحقیق: أحمد عبدالغفور، عطار، بیروت، دارالعلم للملایین، (۱۴۰۷ق).
۳۳. حرعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، (۱۴۰۹ق).
۳۴. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، *تفسیر اثنا عشری*، میقات، تهران، (۱۳۶۳ش).
۳۵. حقی بروسوی، اسماعیل، *روح البیان*، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۳۶. حمصی، نعیم، *العدد فی اللغة العربیة*، دمشق، مجمع اللغة العربیة، (۱۳۶۷ق).
۳۷. خرم دل، مصطفی، *تفسیر نور* (خرم دل)، تهران، احسان، (۱۳۸۴ش).
۳۸. خسروانی، علی رضا، *تفسیر خسروی*، تهران، کتابفروشی اسلامیة، (۱۳۹۰ق).
۳۹. دانتزیگ، تویباس، *عدد زبان علم*، ترجمه: عباس گرمان، تهران، سپهر، (۱۳۶۱ش).
۴۰. دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران، (۱۳۷۱ش).
۴۱. راغب اصفهانی، مفردات، بیروت، دارالعلم، (۱۴۱۲ق).
۴۲. رضایی اصفهانی، محمدعلی، ترجمه قرآن، قم، موسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر، (۱۳۸۳ش).

تحلیلی بر دلالت «اعداد معدوله» در تعبیر قرآنی «مثنی و ثلاث و رباع» ... علی‌رضا فخاری و زهرا بشارتی

۴۳. رهنما، زین‌العابدین، قرآن مجید با ترجمه و جمع‌آوری تفاسیر، تهران، سازمان اوقاف، (۱۳۵۴ش)

۴۴. زمخشری، محمود، کشاف، بیروت، دارالکتب العربی، (۱۴۰۷ق)

۴۵. زمخشری، محمود بن عمر، اساس البلاغه، بیروت، دارصادر، (۱۹۷۹م)

۴۶. سبزواری نجفی، محمدبن حبیب الله، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، (۱۴۰۶ق).

۴۷. سراج، رضا، ترجمه قرآن، تهران، سازمان چاپ دانشگاه، (۱۳۹۰ق).

۴۸. سفر، عبدالعزیز علی، الممنوع من الصرف فی اللغة العربیه، کویت، دانشگاه کویت، (۲۰۰۰م).

۴۹. سلطان علی شاه: سلطان محمد بن حیدر، متن و ترجمه فارسی تفسیر شریف بیان السعاده فی مقامات العباد: مترجم: رضاخانی، محمد و ریاضی، حشمت‌اله، تهران، سرالاسرار، (۱۳۷۲ش).

۵۰. سمرقندی، نصرین محمدبن احمد، بحر العلوم، بی‌جا، بی‌چا، بی‌تا.

۵۱. سید قطب، فی ظلال القرآن، بیروت، دارالشروق، چاپ هفدهم، (۱۴۱۲ق).

۵۲. شعرانی، ابوالحسن، قرآن مجید با ترجمه فارسی و خواص سور و آیات، تهران، کتابفروشی اسلامی، (۱۳۷۴ش).

۵۳. شوالیه، ژان، گربان، آلن، فرهنگ نمادها، ترجمه و تحقیق: سودابه فضایی، تهران، نشر جیحون، (۱۳۷۸ش).

۵۴. شوکانی صنعانی، محمدبن علی، فتح القادیر، بیروت، دارالکلم الطیب، اول، (۱۴۱۴ق).

۵۵. شیمل، آن ماری، راز اعداد، ترجمه: فاطمه توفیقی، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، (۱۳۹۵ش).

۵۶. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، محقق آل یاسین، محمدحسن، عالم‌الکتاب، بیروت، (۱۴۱۴ق).

۵۷. صادق نوبری، عبدالمجید، علوی حسینی، محمدکریم، ترجمه قرآن، تهران، اقبال، (۱۳۹۶ق).
۵۸. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، (۱۳۶۵ش).
۵۹. صفوی، محمدرضا، ترجمه قرآن بر اساس المیزان، قم، دفتر نشر معارف، (۱۳۸۸ش).
۶۰. صفی علی شاه، محدحسن بن محمدباقر، تفسیر قرآن صفی علی شاه، تهران، منوچهری، (۱۳۷۸ش).
۶۱. صلواتی، محمود، ترجمه قرآن، تهران، مبارک، (۱۳۸۷ش).
۶۲. طاهری قزوینی، علی اکبر، ترجمه قرآن، تهران، قلم، (۱۳۸۰ش).
۶۳. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، (۱۴۱۷ق).
۶۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیرالقرآن، مترجم: عبدالحمیدی، علی، غفوری، اکبر، امیری شادمهری، احمد حجتی، مهدی گلی بوستان خدا (ترجمه قرآن)، قم، بخشایش، (۱۳۸۴ش).
۶۵. طبرسی، ابوعلی، مجمع البیان فی تفسیرالقرآن، تهران، انتشارات ناصرخسرو، (۱۳۷۲ش).
۶۶. طبری، محمدبن جریر، تاریخ الامم والملوک، لیدن، بریل، (۱۸۷۹م).
۶۷.، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفه، (۱۴۱۲ق).
۶۸. طوسی، محمدبن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، دارالحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۶۹. عاملی، ابراهیم، تفسیرعاملی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، صدوق، ۱۳۶۰ش.
۷۰. عبدالکریمی، سپیده، نعمتی، راحله، بررسی انواع طرحواره های تصویری در افعال مرکب زبان فارسی: سازه شکل دهنده طرحواره تصویری، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی معناشناسی شناختی، (۱۳۹۵ش).
۷۱. علی، جواد، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بغداد، مکتبه النهضة، (۱۳۹۱ق).
۷۲. فارسی، جلال الدین، ترجمه قرآن، تهران، انجام کتاب، (۱۳۶۹ش).
۷۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، نشر هجرت، چاپ دوم، (۱۴۰۹ق).

تحلیلی بر دلالت «اعداد معدوله» در تعبیر قرآنی «مثنی و ثلاث و رباع» ... علی‌رضا فخاری و زهرا بشارتی

۷۴. فولادوند، محمدمهدی، ترجمه قرآن، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، (۱۴۱۸ق).

۷۵. فیض کاشانی، مولی محسن، الصافی، تهران، انتشارات صدر، (۱۴۱۵ق)

۷۶. فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، دارالهجره، (۱۴۱۴ق)

۷۷. قاسمی، تفسیر القاسمی المسمی محاسن التاویل، لبنان، دارالکتب العلمیه، (۱۴۱۸ق)

۷۸. قرشی منابی، علی اکبر، ترجمه تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، (۱۳۷۵ش)

۷۹. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، محقق موسوی جزائری، قم، دارالکتاب، (۱۳۶۷ش)

۸۰. کاشفی سبزواری، حسین بن علی، مواهب علیه، تهران، انتشارات اقبال، (۱۳۶۹ش)

۸۱. کویان‌پور، احمد، ترجمه قرآن، تهران، اقبال، (۱۳۷۲ش).

۸۲. کوپر، جی سی، فرهنگ نمادهای آیینی، ترجمه: رقیه بهزادی، تهران، نشر علمی، (۱۳۹۲ش)

۸۳. گلفام، ارسلان، قمشه ای، محمدرضا، تصویرگونگی دوگان ساخت ها در زبان فارسی: طبقه بندی معنایی، پژوهش های زبان و ادبیات تطبیقی، شماره ۱، (۱۳۹۱ش).

۸۴. ماوردی، علی بن محمد، النکت و العیون، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.

۸۵. مدرسی، سیدمحمدتقی، من هدی القرآن، تهران، دارمحبی الحسین (۱۴۱۹ق).

۸۶. مراغی، احمد بن مصطفی، تفسیر المراغی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.

۸۷. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ترجمه قرآن، قم، بوستان کتاب، (۱۳۸۵ش).

۸۸. مشکینی اردبیلی، علی، ترجمه قرآن، قم، الهادی، (۱۳۸۱ش).

۸۹. مشهدی قمی، محمدبن محمدرضا، کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد، (۱۳۶۸ش)

۹۰. مصباحزاده، عباس، ترجمه قرآن، تهران، بدرقه جاویدان، (۱۳۸۰ش).

۹۱. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، (۱۳۶۸ش)

۹۲. معزی، محمدکاظم، ترجمه قرآن، قم، اسوه، (۱۳۷۲ش).

۹۳. مغنیه، محمدجواد، تفسیر کاشف، مترجم، دانش، موسی، قم، بوستان کتاب، (۱۳۷۸ش)
۹۴. مقاتل بن سلیمان بلخی، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، (۱۴۲۳ق)
۹۵. مکارم شیرازی، ناصر، ترجمه قرآن، قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، (۱۳۷۳ش).
۹۶. موسوی گرمارودی، علی، ترجمه قرآن، تهران، قدیانی، (۱۳۸۴ش).
۹۷. میدانی، عبدالرحمن، معارج التفکر و دقائق التدبیر، سوریه، دارالقلم، (۱۳۶۱ش).
۹۸. نورآقایی، آرش، عدد، نماد، اسطوره، تهران، نشر افکار، (۱۳۷۸ش).
۹۹. نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، تحقیق: زکریا عمیرات، بیروت، دارالکتب العلمیه، (۱۴۱۶ق)
۱۰۰. یاسری، محمود، ترجمه قرآن، محقق حائری تهرانی، مهدی، قم، بنیاد فرهنگی امام مهدی (عج)، (۱۴۱۵ق)

۱۰۱. یعقوب، امیل بدیع، موسوعه الحروف فی اللغة العربیه، بیروت، دارالجلیل، (۱۴۰۸ق).
102. Costaz, Louis, Dictionarie Syriaque-Francais/Syriac-English Dictionary, Beirut: Dar El-Machreq, (2002).
103. Gesenius, William A, Hebrew and English Lexicon of the Old Testament, ed.
104. F.A. Brown, Oxford, (1939).
105. Jastrow, Marcus, A Dictionary of the Targumim, London/New York, (1903).
106. Leslau, Wolf, Comparative Dictionary of Geez, Otto Harrassowitz &
107. Wiesbaden, (1991).
108. Orel V E, Stolbova OV, Hamito Semitic Etymological Dictionary Materials Of a Reconstruction, Leiden, E.J.Brill, (1995).
109. Gelb, I.J. Glassary of Old Akkadian Chicago, University of Chicago, (1957).